

بینامتنی قرآن و حدیث در شعر شیعی طلائع بن رزیک

سید مهدی مسبوق*؛ استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا
اعظم دریادل موحد: دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم
سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، ص ۴۰-۳۱
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۱۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

چکیده

ارتباط یک متن با متن‌های دیگر از موضوعات مهمی است که مورد توجه پژوهشگرانی چون ژولیا کریستوا(ت ۱۹۱۴)، رولاند بارت(ت ۱۹۱۵م)، ژنت(ت ۱۹۳۰م)، و... قرار گرفته است. این نظریه به روابط بین‌متونی می‌پردازد که باعث آفرینش متنی جدید می‌شوند. بر پایه این نظریه هر متنی بر اساس متونی که پیشتر خوانده‌ایم معنا می‌دهد و استوار به رمزگانی است که پیشتر شناخته‌ایم. مفاهیم والای قرآن و احادیث نبوی و متن هنری آنها از دیرباز مورد توجه و اهتمام شعرای شیعه بوده است. از جمله آنان طلائع بن رزیک شاعر شیعی عصر فاطمی است که مفاهیم دینی با شعر او چنان ارتباط تنگاتنگ و عمیقی یافته که فهم دقیق آن نیازمند آشنایی با متن پنهان و شناخت چگونگی رابطه آنها با یکدیگر می‌باشد. پژوهش حاضر در پی آن است که چگونگی انتقال مفاهیم و تعبیر قرآنی و احادیث نبوی را به شعر شیعی طلائع بر اساس نظریه بینامتنی و در سه محور بینامتنی ترکیبی، واژگانی و مضمون مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

کلید واژه‌ها: بینامتنی، قرآن، حدیث، اهل بیت(ع)، طلائع.

۱- مقدمه

شیوه‌های نوین نقد، که تحت تأثیر زبان‌شناسی ظهور کرده‌اند، غالباً «متن محور» است، بررسی نظریات نقدی «متن محور» نشان می‌دهد که گروهی متن را یک واحد بسته می‌انگارند که تنها به وسیله خود متن قابل فهم است و گروهی متن را یک واحد باز می‌دانند که با دیگر متون در تعامل است این همان «تناس» یا «بینامتنی» است. این نظریه توسط متفکرانی چون «ژولیا کریستوا»، «بارت» و «ژنت» ارائه گردید. آنها معتقد بودند که «هر متنی به منزله جذب و دگرگون‌سازی متنی دیگر است.» (موسی، ۲۰۰۰: ۵۲-۵۱) و به تعبیری دیگر هر متنی جایگشتی از متون و محل تلاقی گفته‌های متعددی است که یکدیگر را خنثی می‌کنند.

این تعریف از بینامتنی که معتقد است هر متنی بر گرفته و تحولی از بسیاری از متون دیگر است دو اصطلاح متن حاضر و متن غایب (پنهان) را وارد مباحث بینامتنی کرد. متن موجود را متن حاضر و متونی که با متن کنونی تعامل داشته متن غایب نامیده‌اند. [همان] رولان بارت متن جدید را حاصل اجتماع اجزای متون پیشین می‌داند و آن را برای هر متنی حتمی و اجتناب ناپذیر می‌شمارد. از نظر وی هر متنی بافت جدیدی است که تار و پود آن از نقل قول‌ها و سخنان گذشتگان تنیده شده است.

از جمله ویژگی‌های شعر اسلامی و شیعی به کارگیری گسترده مفاهیم و مضامین قرآن و حدیث است و همین در هم تنیدگی آن با آیات و احادیث باعث غنای مفاهیم آن شده است. طلائع بن زریک شاعر شیعه امامیه و وزیر عصر فاطمی است که شعرش با مفاهیم دینی ارتباطی تنگاتنگ داشته و آیات، واژگان، داستان‌ها و تعبیر قرآنی را در دیوان خود به کار گرفته و ارتباطی عمیق با مفاهیم قرآنی برقرار نموده است؛ چنان که خود نیز به صراحت به این امر اذعان نموده و بیان داشته که برای اثبات فضل و برتری اهل بیت (ع) باید به قرآن استناد نمود: و إذا روى قوم فضائل غيرهم / روى فضائلهم من القرآن (طلائع، ۱۹۶۴: ۱۴۴) (اگر مردمانی فضایل و بزرگی‌های دیگران را روایت کنند اهل بیت را به روایت آن حاجتی نیست چرا که [فضایل آنان در قرآن آمده است].

نوشتار حاضر در پی آن است که به ذکر نمونه‌هایی از منقبت‌گستری اهل بیت (ع) در شعر طلائع پرداخته و چگونگی انتقال مفاهیم و تعبیر قرآنی و احادیث به شعر شیعی طلائع را بر اساس نظریه بینامتنی و در سه محور بینامتنیت ترکیبی، واژگانی و مضمون مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۱-۱- هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، شناخت چگونگی ارتباط اشعار شیعی طلائع با مفاهیم و تعبیر قرآن و حدیث و تحلیل آن بر اساس نظریه بینامتنی است.

۱-۲- سؤالات پژوهش

الف- هدف طلائع از به کارگیری مفاهیم و تعبیر قرآن و حدیث در اشعار شیعی خود چیست؟

ب- کدام یک از انواع روابط بینامتنی در شعر شیعی طلائع نمود بیشتری دارد؟

۳-۱- پیشینه پژوهش

با وجود اینکه طلائع از شعرای بزرگ دوره فاطمیان و شیعه امامیه و از محبان اهل بیت(ع) بوده و اشعار فراوانی در مدح و منقبت گستری ایشان سروده است، تاکنون به زبان عربی پژوهش مستقلی در مورد سیمای اهل بیت(ع) در اشعار او صورت نپذیرفته است، اما به زبان فارسی پژوهش‌هایی در مورد شعر شیعی طلائع صورت پذیرفته که «سیمای اهل بیت(ع) در اشعار طلائع بین زُرّیک» (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، نوشته‌ی اعظم دریادل موحد، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۹) و نیز مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی دو قصیده تائیه دعبل خزاعی و طلائع بین زُرّیک در مدح اهل بیت(ع)» (نوشته سیدمهدی مسبوق و اعظم دریادل موحد، مجله ادب عربی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۹۱) از آن جمله است. در مورد نظریه بینامتنی نیز کتاب‌ها و مقالات مختلفی نوشته شده که از آن جمله است کتاب «کلام، مکالمه و رمان» نوشته ژولیا کریستوا ترجمه پیام یزدانجو، و «بینامتنیت» نوشته آلن گراهام ترجمه پیام یزدانجو و «از اثر به متن» نوشته رولان بارت ترجمه مراد فرهادپور و «ماهیه التناس، قراءه فی اَشکالیاتة النقدیة» نوشته عبدالستار اسدی. اما در خصوص بازتاب آیات قرآنی و احادیث نبوی در اشعار شیعی طلائع و تحلیل آن بر اساس نظریه بینامتنی پژوهشی صورت نگرفته است.

۲- نگاهی به زندگی طلائع بن زُرّیک

ابوالغارات، الملک الصالح فارس المسلمین نصیر الدین، طلائع بن زُرّیک بن الصالح در سال ۴۹۵ق در خانواده‌ای به دنیا آمد که خداوند دین و دنیا را به ایشان ارزانی داشته بود. بعد از این که مراحل کودکی را پشت سر گذاشت پدرش در تربیت و تعلیم و تهذیب نفس او تلاش و جدیت وافری مبذول داشت. طلائع از همان آغاز جوانی رغبت فراوانی به علم و علاقه وافری به ادب داشت و در انجمن‌های ادبی روزگار خود شرکت می‌کرد. در کنار این میل و علاقه فراوان به ادب، روحیه حب و تولای اهل بیت(ع) در درون او رشد نموده و فزونی یافت، او با دل و جان و با اشعار و نوشته‌های خود مکارم اهل بیت(ع) را گسترش می‌داد. (مقدمه دیوان، ۱۹۶۴: ۷) عشق و علاقه وافر او به اهل بیت(ع) به اندازه‌ای بود که در یاری مذهب شیعه او را به آهن گداخته‌ای تشبیه می‌کنند. او فقهای زمانه خود را گرد می‌آورد و با آنان در دفاع از شیعه امامیه و مسأله جبر و اختیار مناظره می‌کرد. (حنبلی، ۱۹۸۹ م، ج ۶: ۲۵۶)

طلائع عازم مصر شد و مقام و منزلت او در آنجا رو به فزونی رفت تا اینکه در سال ۵۴۹ق در دوره خلیفه فاطمی الفائز به مقام وزارت رسید و از جانب او به «الملک الصالح» ملقب شد. ابن تغری بردی، بی تا، ۲۹۶ و مقریزی، بی تا) او تا دوره فرزند الفائز ملقب به العاضد در این مقام باقی ماند و در نهایت در سال ۵۵۶ق با توطئه نزدیکان خلیفه به قتل رسید. طلائع بر خلاف عقیده فاطمیان که شیعه اسماعیلیه بودند بر مذهب شیعه امامیه بود و مذهب خود را نه تنها پنهان نمی‌کرد بلکه آن را آشکارا بیان می‌نمود و در دفاع از آن با فقهای اسماعیلی مجادله می‌کرد و در این مورد کتابی با عنوان «الإعتماد فی الرد علی أهل العناد» دارد.

۳- ارکان بینامتنی

بینامتنی دارای سه رکن اصلی است: متن پنهان، متن حاضر و روابط بینامتنی. انتقال لفظ یا معنا از متن

پنهان به متن حاضر روابط بینامتنی نام دارد که تبیین آن مهمترین بخش نظریه بینامتنی در تفسیر متون است. باز آفرینی متن پنهان یا حضور آن در متن حاضر به سه صورت انجام می‌گیرد که از آن به عنوان قواعد سه‌گانه بینامتنی یاد کرده‌اند: قاعده نفی جزئی، قاعده نفی متوازی و قاعده نفی کلی. (موسی، ۲۰۰۰: ۵۵) این قواعد سه‌گانه، روابط بین متن حاضر و متن غایب را تفسیر می‌کند که در ذیل به توضیح آن پرداخته می‌شود.

الف) نفی جزئی: در این نوع از روابط بینامتنی، مؤلف جزئی از متن غایب را در متن خود می‌آورد و متن حاضر ادامه متن غایب است و ابتکار یا نوآوری کمتری در آن وجود دارد. (عزام، ۲۰۰۵: ۱۱۶) متن برگرفته از متن غایب می‌تواند یک کلمه یا جمله یا یک عبارت باشد.

ب) نفی متوازی: این نوع از روابط بینامتنی از نوع قبلی برتر است در نفی متوازی متن پنهان پذیرفته شده و به‌صورتی در متن حاضر به کار رفته که جوهره آن تغییر نکرده است. (موسی، ۲۰۰۰: ۵۵)

ج) نفی کلی: این نوع از روابط بالاترین درجه بینامتنی است و به خوانشی آگاهانه و عمیق نیاز دارد تا بتوان به متن پنهان پی برد؛ زیرا مؤلف در این نوع از روابط، متن پنهان را باز آفرینی کامل می‌کند به گونه‌ای که در خلاف معنای متن پنهان به کار می‌رود و معمولاً این امر ناخودآگاه روی می‌دهد. (وعد الله، ۲۰۰۵: م ۳۷) این سه نوع رابطه بین متن پنهان و متن حاضر، مهمترین بخش بینامتنی است که از آن به روابط بینامتنی یاد می‌شود. در تبیین روابط بینامتنی قرآن با اشعار طلائع؛ متن قرآنی، متن غایب و قصاید طلائع متن حاضر است. روابط یا روابط بینامتنی تعامل این دو متن را روشن می‌کند.

۴- بینامتنی قرآن در شعر طلائع

۴-۱- بینامتنی ترکیبی

منظور از بینامتنی ترکیبی آن است که حضور متن غایب در متن حاضر از لفظی واحد تجاوز کند و جمله‌ای کامل یا قسمتی از آن را شامل شود و وظیفه همانندسازی را گاه بدون افزودن و یا کاستن بر عهده دارد و گاه آیه یا قسمتی از آن را با ایجاد فاصله بین الفاظ قرآنی در متن شعری آورده و چیزی بر آن افزوده یا چیزی از آن می‌کاهد. به ذکر نمونه‌ای از این نوع روابط بینامتنی در شعر طلائع بسنده می‌شود:

متن حاضر: (يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ) ذَا الْيَتَمِ وَالْمَسْكِينِ / كَيْنَ فِي حُبِّ رَبِّهِمْ وَالْأَسِيرِ / إِنَّمَا نُطْعِمُ الطَّعَامَ لَوْجِهِ اللَّهِ / لَا نَبْتَغِي لَدَيْكُمْ شُكْرًا / غَيْرَ أَنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا عَصْبِيًّا قَمَطْرٍ أَيْرًا (طلائع: ۷۹)

(ایشان به خاطر جلب رضای پروردگارشان، غذای خود را به یتیم و فقیر و اسیر می‌بخشند.) می‌گویند فقط به خاطر خشنودی پروردگاران است که شما را اطعام کردیم و انتظار تشکر نداریم. / این عمل ما به خاطر این است که از (خشم) پروردگاران و روز سخت و جانگاہ قیامت در هراسیم.)

متن غایب: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لَوْجِهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا، إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمَطْرٍ أَيْرًا» (دهر/ ۸-۱۰)

روابط بینامتنی:

آیات فوق به ماجرای بخشیدن طعام توسط امام علی، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و حضرت زهرا(س) اشاره دارد که ایشان در حالی که گرسنه بودند، غذای خود را در وقت افطار به فقیر و اسیر و یتیم انفاق کردند و آیات سوره دهر در منزلت ایشان نازل شد. در باب اخلاص بحارالأنوار آمده که «مرحوم صدوق در مجالس سند خود از حضرت صادق(ع) در یک حدیث طولانی سبب نزول سوره «هل أتى» را درباره اصحاب کساء نقل نموده است». (مجلسی، بی تا: ج ۶۷: ۲۱۵)

طلائع تقریباً تمامی کلمات این آیات را با تغییرات جزئی در ترکیب آنها در شعر خود به کار گرفته است. مثلاً «علی حبه» را به «فی حُبِّ رَبِّهِمْ» تغییر داده است و کلمه «یتیمان» را به صورت «ذَا الْیَتَمِ» آورده است. در بیت دوم به جای کلمه «لَا تُرِيدُ» از مترادف آن یعنی «لَا نَبْتَغِي» استفاده کرده و «مَنْكُم» را به جای «لَدَيْكُمْ» آورده است. در بیت سوم نیز پس از کلمه «عَبَسَا» و تنها برای تمام شدن وزن کلمه «عَصَبِصَا» را به کار برده است. این فراخوانی الفاظ، کاملاً آگاهانه بوده و از این طریق به هدف خود که ستایش اهل بیت(ع) است، دست یافته است. رابطه بین متن غایب و متن حاضر، نفی جزئی است؛ چرا که شاعر هیچ گونه نوآوری در شعرش انجام نداده و همان مفاهیم را با اندکی تغییر در واژگان و ساختار جمله بیان کرده است.

۴-۲- بینامتنی واژگانی

الفاظ ماده اولیه‌ای است که هر ادیبی به وسیله آن تصاویر ذهنی خود را ارائه می‌دهد. قرآن منبع و سرچشمه‌ای غنی است که طلائع الفاظ، تصاویر، معانی و مضامین شعری خود را از آن الهام می‌گیرد و علاوه بر آن سایر منابع اسلامی چون احادیث نبوی و احادیث مروی از ائمه(ع) نیز نقش عمده‌ای در مضامین شعری او دارد در این قسمت به نمونه‌هایی از بینامتنی واژگانی در شعر او می‌پردازیم.

متن حاضر: طلائع در پاسخ به ملامت‌گری که وی را از حب اهل بیت(ع) منع می‌کرد، می‌گوید:

أَكُونُ فِي حِزْبِ الشَّمَالِ / وَاتْرُكُ الْحِزْبَ الْيَمِينَا؟ / التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ / الصَّائِمِينَ الْقَائِمِينَ / الْعَالَمِينَ الْحَافِظِينَ / الرَّكَعِينَ
السَّاجِدِينَ (طلائع: ۱۵۳) (آیا با روی گردانی از صالحان در زمره گناه‌کاران قرار گیرم؟/ و حزب و گروه نیکنان و توبه‌کنندگان و عابدان و روزه‌داران و نمازگزاران واقعی و دانشمندان و حافظان(عهد و پیمان الهی) و سجده و رکوع‌کنندگان حقیقی را رها کنم؟)

متن غایب: خداوند متعال در آیه یکصد و دوازده سوره مبارکه توبه، مؤمنان را که فروشندگان جان و مال به خدا هستند را با ۹ صفت بارز این‌گونه معرفی می‌کند:

«التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَيَشْرِ الْمُؤْمِنِينَ» و در معرفی رستگاران و گناهکاران می‌فرماید: «وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ» (واقعه/ ۲۷) و «وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ» (واقعه/ ۴۱).

روابط بینامتنی: متن حاضر خواننده را به روشنی به متن غایب رهنمون می‌سازد؛ چرا که شاعر با فراخوانی واژگان قرآنی آن را بازآفرینی نموده و بین متن غایب و متن حاضر رابطه‌ای از نوع نفی جزئی برقرار کرده است؛ چه شاعر تغییری در ساختار و مفهوم آیات نداده و فقط واژگان قرآنی «التائبون، العابدون، الرَّاكِعُونَ،

الساجدون و الحافظون» را در مدح اهل بیت(ع) به کار برده است. علاوه بر این کلمات «شمال و یمین» نیز واژگانی قرآنی هستند که چندین بار در قرآن آمده است. شاعر در مدح اهل بیت(ع) به تاسی از قرآن ایشان را اصحاب یمین و دشمنانشان را اصحاب شمال دانسته است.

متن حاضر: طلائع، اهل بیت(ع) را انسان‌های پاک و معصومی دانسته که حتی اندک ظلمی در حق کسی روا نمی‌دارند.

أُمَّتِي قَوْمٌ إِذَا ظَلَمُوا فَهَمُّ / لَا يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَزَنَ فِتِيلَ (طلائع: ۱۱۰)

(پیشوایان من کسانی هستند که اگر مورد ظلم و ستم هم واقع شوند اندک ظلمی به کسی روا نمی‌دارند.)
متن غایب: عبارتی «يَظْلِمُونَ فَتِيلًا» در سه آیه قرآنی به کار رفته که از آن جمله است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْكُونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يَزْكِي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا» (نساء/۴۹)

روابط بینامتنی: بینامتنی به کار رفته در اینجا، از نوع واژگانی است با این تفاوت که در متن غایب فعل «يَظْلِمُونَ» به صورت مجهول و در متن حاضر به صورت معلوم و در راستای مدح اهل بیت(ع) به کار رفته است. رابطه دو متن از نوع نفی متوازی می‌باشد.

متن حاضر: طلائع، در مدح اهل بیت(ع) از واژگان قرآنی دیگری نیز استفاده کرده مثلاً در توصیف ایشان تعبیر قرآنی «العروة الوثقى» را به کار گرفته، می‌گوید: یا لائمی العروة الوثقى امتسکت بها / فلست أصغى إلى لوم ولا عدل (همان: ۱۰۶)

(ای سرزنشگر! مرا مورد ملامت قرار نده که من به دستاویز محکمی [ائمه علیهم السلام] متوسل شده‌ام و در این راه به سرزنش هیچ‌کس هم گوش فرا نخواهم داد.)

متن غایب: «...فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره/۲۵۶)

روابط بینامتنی: شاعر از تعبیر قرآنی «العروة الوثقى» به عنوان بینامتنی واژگانی در شعر خود استفاده کرده است. با این تفاوت که آیه قرآنی، ایمان به خدا و کفر ورزیدن به طاغوت را چون چنگ زدن به ریسمان الهی می‌داند و طلائع، توسل به اهل بیت(ع) را چنگ زدن به این ریسمان معرفی می‌کند. رابطه متن غایب با متن حاضر، از نوع نفی متوازی است؛ زیرا شاعر کلمات قرآنی را در معنایی متفاوت به کار برده و مفهوم آن را تغییر داده است.

۴-۳- بینامتنی مضمون

اگرچه در بینامتنی این واژه‌ها هستند که ما را به متن پنهان راهنمایی می‌کنند اما در بسیاری از مواقع محتوا و مضمون متن پنهان در متن حاضر نمود یافته و نظر خواننده را جلب می‌کند و چنین می‌نماید که شاعر محتوای متن پنهان را اراده کرده است. (میرزایی و همکار، ۱۳۸۸: ۷۳) طلائع معنا و محتوای متن غایب را چنان با ظرافت در اشعار خود به کار گرفته که فهم آن نیاز به آشنایی با متن پنهان و خوانش عمیق آن دارد، در ذیل به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

متن حاضر: لا دَنْسَ فِيهِمْ فَأَرْزُهُمْ / مَعْقُودَةٌ لَا يَمْسُهَا طَبْعٌ (طلائع: ۹۱) (هیچ‌گونه آلودگی در آنان نیست، ایشان پاکدامند و از هر نوع پلیدی به‌دور)

متن غایب: «...إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳)

روابط بینامتنی: خداوند در این آیه اهل بیت (علیهم‌السلام) را از هرگونه آلودگی پاک و مبرا می‌داند؛ طلائع نیز همین مضمون را در شعر خود به‌کار گرفته است. در این بینامتنی، طلائع به جای کلمه «الرَّجْسَ» (آلودگی) از کلمه «الدَّنَسَ» استفاده کرده و به جای عبارت «يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» عبارت «فَأَرْزُهُمْ مَعْقُودَةٌ لَا يَمْسُهَا طَبْعٌ» را آورده است. در کنار این بینامتنی، شاعر واژه قرآنی «يَمْسُهَا» را از آیه «لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه/۷۹) اخذ نموده و متن پنهان را در شعر خود حاضر ساخته است. رابطه متن غایب با متن حاضر، نفی متوازی است؛ زیرا شاعر خلافت بینامتنی مضمون و بینامتنی واژگانی را در هم آمیخته تا معنای مورد نظر خود را بیان نماید؛ همچنین بیت فوق دارای تداخل تاریخی با ماجرای حدیث کساء نیز بوده و فضای آن را در ذهن تداعی می‌کند.

متن حاضر: طلائع در اشاره به ماجرای خاتم بخشی حضرت امیر (علیه‌السلام) به فقیری در حین رکوع می‌گوید: وَمَطْعَمِ السَّائِلِ الْبَادِي بِخَاتَمِهِ / عِنْدَ الرُّكُوعِ أَوْانَ الْفَرَضِ وَالنُّفْلِ (همان: ۱۱۷) (اعلی‌ع) در حین رکوع و انجام واجبات و مستحبات، انگشتر خود را به فقیر بادیه‌نشین بخشید.

متن غایب: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده/۵۵)

روابط بینامتنی: تعامل متن حاضر با متن غایب، مضمون حکایت خاتم بخشی امیرالمؤمنین (ع) به فقیری در حین رکوع است که شاعر، آگاهانه این مضمون را در شعر خود باز آفرینی نموده و رابطه دو متن از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: ماجرای غدیر و انتخاب امام علی (ع) به‌عنوان وصی و ولی بعد از پیامبر (ص) نیز موضوعی است که در دیوان طلائع، بسیار مطرح و بر آن تأکید شده است که از آن جمله است:

وَاسْتَقْصُوا الدِّينَ الحَنِيفَ بِكَتْمِهِمْ / يَوْمَ العَدِيرِ وَكَانَ يَوْمَ كَمَالِهِ (همان: ۱۲۷) (با کتمان و نادیده گرفتن روز غدیر که روز کامل شدن دین بود به آن لطمه زدند).

متن غایب: «...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي...» (مائده/۳)

روابط بینامتنی: طلائع با به‌کارگیری مفهوم آیه فوق از بینامتنی مضمون بهره برده و نادیده انگاشتن حادثه غدیر را باعث لطمه دیدن دین حنیف دانسته و با ایجاد ارتباط بین متن قرآنی و حادثه غدیر با این حادثه تاریخی ارتباط برقرار نموده است. در اینجا نوع رابطه بینامتنی، نفی متوازی است.

۵- بینامتنی حدیث

طلائع در منقبت گستری و ثنای اهل بیت (ع) از هیچ امری فروگذار نکرده است. او در بیان فضایل ایشان همان‌طور که از آیات قرآنی بهره می‌گیرد از احادیث و روایات استفاده می‌کند تا دیدگان دشمنان اهل بیت (ع) را به این فضایل باز کند، شاید که دست از عناد خود بردارند و به راه راست بازگردند. ارتباط این احادیث با اشعار طلائع به شرح ذیل است:

۵-۱- بینامتنی ترکیبی

متن حاضر: قَالَ النَّبِيُّ لَنَا الْكِتَابُ وَعَتَرْتِي / مِنْ أَهْلِ بَيْتِي لَيْسَ يَفْتَرِقَانِ (طلائع: ۱۴۴) (پیامبر(ص) فرمود: کتاب قرآن و خاندانم، هرگز از هم جدا نخواهند شد).

متن غایب: حدیث ثقلین: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ خَلِيفَتَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ وَعَتَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَإِنَّمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (مجلسی، بی‌تا، جلد ۲۳: ۱۰۵)

روابط بینامتنی: طلائع در این بیت از بینامتنی ترکیبی استفاده کرده و با تغییراتی در متن پنهان آن را در شعر خود بازسازی نموده، او کلمات «العترة» و «الکتاب» را به طور مستقیم آورده و به جای حرف «لن» از فعل «لیس» استفاده کرده است. رابطه متن حاضر و غایب نفی جزئی است؛ چرا که متن حاضر همان مفهوم حدیث را با تغییر جزئی الفاظ بیان کرده است.

۵-۲- بینامتنی مضمون

متن حاضر: طلائع در بیان برحق بودن اهل بیت(ع) از حدیث سفینه نوح مکرراً و به بهانه‌های مختلف بهره برده است، به عنوان مثال: أَنْتُمْ إِذَا الْخَوْفُ طَمَّتْ أَبْحُرُهُ / يَوْمَ الْمَعَادِ كُنْتُمْ السَّفِينَا (طلائع: ۱۵۵) (فردای قیامت، آنگاه که امواج پرتلاطم دریای ترس، طغیان کند، این شما هستید که کشتی نجاتید).

متن غایب: حدیث سفینه نوح: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» (مجلسی، بی‌تا، ج ۲۳: ۱۰۵)

روابط بینامتنی: همان‌گونه که حدیث نبوی، دور شدن از اهل بیت(ع) را مایه غرق شدن در دریای گمراهی می‌داند؛ شاعر نیز متوسل نشدن به اهل بیت(ع) در محشر را عامل هلاکت می‌داند. کلمه «سفینه» به وضوح ما را به متن غایب راهنمایی می‌کند؛ علاوه بر این متن حاضر، مفهوم حدیث را تکرار کرده است. رابطه متن حاضر با متن پنهان از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: أَلَسْتُمْ أَنْتُمْ أَهْلَ الْكِسَاءِ بِكُمْ / جَبْرِيلُ يَفْخَرُ إِذْ فِيكُمْ نُعَدُّهُ (طلائع: ۷۴) (آیا شما آل عبا نیستید که جبرئیل افتخار می‌کرد که در شمار شما درآید).

متن غایب: حدیث کساء: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي بَيْتِي فَأَتَتْ فَاطِمَةُ فَقَالَ ادْعِي زَوْجَكَ وَإِنِّي كَفَّاءٌ عَلَيَّ وَفَاطِمَةُ وَالْحُسَيْنُ وَالْحُسَيْنُ وَكَانَ تَحْتَهُ كِسَاءٌ خَبِيرِي. فَأَنْزَلَ اللَّهُ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (حلی، ۱۹۸۲ هـ: ۲۲۸)

روابط بینامتنی: طلائع در ابیات بسیاری به «آل عبا یا آل کساء» بودن اهل بیت(ع) اشاره کرده است. او در بیت فوق با به کاربردن کلمه اهل کساء، علاوه بر حاضر کردن متن غایب در ذهن خواننده، فضای داستان حدیث را نیز در ذهن تداعی می‌کند و متن حاضر در واقع تکرار کننده متن غایب است و رابطه دو متن نفی متوازی است.

متن حاضر: وَ يَوْمَ حُجْمٍ وَ قَدْ قَالَ النَّبِيُّ لَهُ / بَيْنَ الْحُضُورِ وَ سَأَلَتْ عَضُدَهُ يَدُهُ / مَنْ كُنْتُ مَوْلَى لَهُ هَذَا يَكُونُ لَهُ / مَوْلَى أَتَانِي بِهِ أَمْرٌ يُؤَكِّدُهُ / مَنْ كَانَ يَخْذُلُهُ فَاللَّهُ يَخْذُلُهُ / أَوْ كَانَ يَعْضُدُهُ فَاللَّهُ يَعْضُدُهُ (طلائع: ۷۴)

(در غدیر خم در حالی که رسول خدا(ص) بازوی او را با دست مبارک خود بلند کرده بود، در مورد او گفت. / هر کس که من مولای اویم، این علی مولای اوست، این مطلب، امری است که بسیار مورد سفارش و تأکید واقع شده است. / هر کس او را خوار بدارد، خداوند خوارش می‌سازد و هر کس او را یاری کند، خداوند یاور اوست.)

متن غایب: پیامبر گرامی اسلام(ص) در روز غدیر، علی(ص) را به‌عنوان ولی و امام مردم پس از خود برگزید و فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» این حدیث در موارد متعددی، زینت‌بخش شعر طلائع بوده است؛ او در ضمن به‌تصویر کشیدن حادثه عظیم غدیر، این حدیث را به مخاطب یادآور می‌شود.

روابط بینامتنی: شاعر در ابیات فوق به‌وضوح و به‌طور کامل، فضای متن غایب را در ذهن خواننده حاضر نموده و همان معنا را با الفاظی دیگر در شعر خود به‌کار گرفته و رابطه این دو متن از نوع نفی متوازی است.

متن حاضر: اَنَا ابْنُ رَزِيكَ وَوَلِيٌّ لِمَنْ / رُتِبَتْهُ رُتْبَةُ هَارُونَ (طلائع: ۱۴۹)

(من پسر رزیک دوستدار کسی هستم که جایگاه او نسبت به پیامبر چون جایگاه هارون نزد موسی است.) متن غایب: حدیث منزلت: «هنگامی که پیامبر(ص) به جنگ تبوک می‌رفت، علی را جانشین خود و پاسدار اهل خویش در مدینه قرار داد. علی(ع) گفت می‌خواهم به هر سو که می‌روی با تو باشم. پیامبر(ص) فرمود: آیا خرسند نیستی که برای من چون هارون به موسی هستی جز آن که پس از من پیامبری نیست.» (حلی، ۱۹۸۲: ۲۱۶).

روابط بینامتنی: در بیت فوق شاعر اعلام می‌دارد که دوستدار امام علی(ع) است و در ضمن این گفتار، با استناد به حدیث منزلت به‌طور ضمنی، حضرت را مدح می‌گوید و با به‌کار بردن کلمه «هارون» خواننده را به فضای متن غایب می‌برد. او آگاهانه از حدیث منزلت در شعر خود استفاده کرده و از رهگذر آن فضای تاریخی این حدیث را در ذهن تداعی نموده است.

۶- نتیجه

از این مقال این نتیجه به دست می‌آید که هدف طلائع از ایجاد روابط بینامتنی با قرآن و حدیث، بیان فضل و برتری ائمه شیعه(ع) است. او برای بیان عشق و ارادت خود نسبت به اهل بیت(ع) از قرآن مثال می‌آورد تا مخالفان را متوجه این فضل و برتری کند و یا احادیث نبوی را در ضمن اشعار خود ذکر می‌کند تا ایشان را به این حقیقت کتمان شده، تذکر دهد. اکثر روابط بینامتنی موجود در شعر طلائع دقیقاً منطبق با معانی متن غایب است و شاعر از این طریق می‌خواهد معانی و مفاهیم قرآنی را در ذهن خواننده حاضر سازد و خواننده را متوجه برتری و حقانیت اهل بیت (علیهم‌السلام) نماید. تحلیل روابط بینامتنی شعر طلائع بیانگر این است که وی بیشتر از بینامتنی ترکیبی بهره برده و حتی در بینامتنی مضمون نیز از واژگان قرآنی استفاده کرده و روابط بینامتنی قرآن و حدیث با شعرش بیشتر از نوع نفی متوازی و گاه جزئی است.

منابع:

قرآن کریم.

۱. کریستوا، ژولیا (۱۳۸۱)؛ کلام، مکالمه و رمان، پیام یزدانجو، تهران، نشر مرکز.
۲. موسی، خلیل (۲۰۰۰م)؛ قراءات فی الشعر العربی الحدیث و المعاصر، دمشق، منشورات اتحاد الکتاب.
۳. بروئل، پیرو و همکاران (۱۳۷۸)؛ تاریخ ادبیات فرانسه، نسرین خطاط و مهوش قویمی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۴. ابن رزیک، طلائع (۱۹۶۴م)؛ دیوان، محمد هادی امینی، نجف اشرف، المکتبه الأهلیه.
۵. میرزایی، فرامرز؛ رحمتی، مریم (۱۳۸۸)؛ بینامتنیت قرآنی و اشعار اقبال لاهوری، مجموعه مقالات یکصد و سی و دومین سال ولادت علامه اقبال لاهوری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۶. وعدالله، لیدیا (۲۰۰۵م)؛ التناص المعرفی فی شعر عز الدین المناصره، بیروت، دار المنذلاوی، الطبعة الأولى.
۷. الحنبلی، ابن العماد (۱۹۸۹م)؛ شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، بیروت، دار ابن کثیر.
۸. بردی، ابن تغری (بی تا)؛ النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قدم له و علق علیه حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۹. مقریزی، تقی الدین احمد بن علی (۱۳۹۳ق)؛ اتعاظ الحنفاء باخبار الفاطمیین الخلفاء، الجزء الثالث، قاهره، کلیه العلوم جامعه قاهره.
۱۰. مجلسی، محمد باقر (بی تا)؛ بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، قم، دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. حلی، ابومنصور جمال الدین حسن بن سدید (بی تا)؛ نهج الحق و کشف الصدق، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۲. لچت، جان (۱۹۴۶م)؛ ۵۰ متفکر بزرگ جهان از ساختارگرایی تا مدرنیته، محسن حکیمی، تهران، انتشارات خجسته.